

بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تأثیر آن بر مقابله با انواع آسیب های اجتماعی ویژه نسل جوان

طاهره عسکری^۱، زینب عسکری^۲، اعظم عسکری^۳، عایشه اینچه برونی^۴

^۱ دبیر معارف اسلامی استان گلستان

^۲ کارشناس اردوها آموزش و پرورش استان گلستان

^۳ معاون آموزشی مدرسه حاجیه خانم حبیبی

^۴ مشاور متوسطه اول گنبد کاووس

چکیده

یکی از جنبه های مهم تربیت که در نظام آموزش و پرورش کشور اهمیت دارد، تربیت دینی است. تربیت دینی ناظر به تمامی جوانب زندگی دنیوی و اخروی انسان است. بر همین اساس، مسئله این پژوهش آن است که علی رغم اهمیت تربیت دینی، نسبت به تبیین مؤلفه های تربیت دینی بر اساس اهداف ساحت های شش گانه سند تحول بنیادین، پژوهشی صورت نگرفته است. این پژوهش با روش تحلیلی و قیاس عملی، درصدد تبیین مؤلفه های تربیت دینی بر اساس اهداف مندرج در متن سند فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران و ساحت های شش گانه تربیتی است که این ساحت ها عبارت اند از: ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساحت تربیت زیستی و بدنی، ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای، ساحت تربیت علمی و فن آوری. یافته های پژوهش بیانگر آن است که مؤلفه های گوناگونی را می توان در زمینه تربیت دینی استنتاج نمود که عبارت اند از: هویت دینی، انتخاب آگاهانه، تلاش برای ارتقای معنوی، خودشناسی، حفظ کرامت و عزت نفس و... است. اصولی که برای تبلیغ در مراکز مذهبی استنتاج شده، عبارت اند از: اصل آگاهی بخشی، اصل ارتباط سازنده با جوانان، اصل تناسب و اعتدال با نیازهای جوانان، اصل محبت و اصل تدریج.

واژه های کلیدی: سند فلسفه تربیت، تربیت دینی، ساحت های شش گانه تربیت، اصول تبلیغ، مراکز مذهبی

مقدمه

دیرباز، تربیت انسان و چگونگی دستیابی او به کمال، از همواره موردعلاقه هر اندیشمند و نظریه‌پرداز بوده است (هاشمی اردکانی، ۱۳۸۸، ۱۶۲). تربیت از نظر لغوی، به معنای پرورتن، پروراندن، پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن (عمید، ۱۳۶۲، ۳۱۱)؛ همچنین علاوه بر معانی، تربیت این به معنای بارآوردن است (مطهری، ۱۳۶۶). اتحادیه بین‌المللی آموزش و پرورش، تربیت را فراهم کردن رشد کامل توانایی‌های هر شخص به‌عنوان فرد و نیز به‌عنوان جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی و تعاون دانسته است. تربیت از تحول اجتماعی جدایی‌ناپذیر بوده و یکی از نیروهای تعیین‌کننده تحول است؛ بنابراین هدف تربیت و روش‌های آن باید به‌طور دائم با پیشرفت شناخت کودک، انسان و جامعه که حاصل علم و تجربه است، مورد بازنگری قرار گیرد (میالاره^[3] و ژان، ۱۳۷۰). شهید مطهری، تربیت را پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادها و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها می‌داند تا از این راه، مرتبی به حد بالای کمال (شایسته خود) برسد (مطهری، ۱۳۷۱، ۹۰). این تعاریف در عین تعدد، در این جهت توافق دارند که تربیت، مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای به فعلیت درآوردن ابعاد گوناگون انسان به کار گرفته می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۶ و شریعتمداری، ۱۳۸۶). با توجه به این تعریف، مربی باید ابعاد انسان را بشناسد تا بتواند جریان تربیت را بر اساس سرشت و فطرت او انجام دهد (مزینانی، ۱۳۸۲).

از سوی دیگر، بنابر نظر علمای دینی و صاحب‌نظران، دین، نوعی زندگی است و تربیت دینی، فرآیندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات (به تعبیر علامه جعفری، حیات معقول) مهیا می‌سازد (حسینی، ۱۳۷۹، ۱۸۹). این نحوه زندگی، بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین‌شده‌ای شکل می‌گیرد که از طریق دین، عقاید و شریعت به آدمی عرضه شده است. مروری بر مفاد متون دینی و فرهنگی، ما را با این واقعیت غیرقابل انکار روبه‌رو می‌سازد که دین (اسلام)، یک پدیده جهانی است و در تجربه تاریخی خود همواره برای جهانی شدن کوشیده است و امروزه نیز دین‌دارن و پیروان آئین حنیف اسلام باید برای جهانی شدن آن بکوشند. آیات قرآنی به‌صراحت یا به‌صورت غیرمستقیم از جهانی بودن رسالت پیامبر (ص) و محدود نبودن آن به عصر مشخصی سخن گفته و نگاه جهانی دین را حکایت کرده است (انبیاء/ ۱۰۷).

از سوی دیگر تبلیغ دین، به معنای رساندن پیام‌های خداوند به بندگان در مرحله نخست برعهده پیامبران و اوصیاء آنان و در مراحل بعد بر دوش عالمان دین گذاشته شده است. بر اساس زمینه‌ای که تبلیغ در اختیار عالمان دین می‌گذارد، آنان نیز می‌توانند با بهره گرفتن از بسترهای سنتی همچون مساجد یا بسترهای نوین همچون فضای سایبری، تعالیم دینی در زمینه‌های مختلف را در اختیار جهانیان قرار دهند.

نگاهی به آنچه در متون دینی درباره تبلیغ انعکاس یافته، نشان می‌دهد که تبلیغ دین در آشنایی مردم با آموزه‌های دینی و تحکیم باورها و ارزش‌ها نقش بسیار اساسی ایفا می‌کند. قرآن، بهترین و برترین سخن را دعوت به سوی خداوند می‌داند: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»؛ (و کیست خوش‌گفتارتر از آن‌کس که به‌سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند؟ و گوید: «من [در برابر خدا] از تسلیم‌شدگانم.»)

چنان‌که خداوند به‌صورت مکرر اعلام فرمود که ابلاغ، اصلی‌ترین مسؤولیت پیامبران است؛ به‌عنوان نمونه در سوره مبارکه مائده چنین آمده است: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّما عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»؛ (و اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و [از گناهان] برحذر باشید، پس اگر روی گردانیدید، بدانید که برعهده پیامبر ما، فقط رساندن [پیام] آشکار است).

بر همین اساس، مسئله این پژوهش آن است که علی‌رغم تأکیدهای زیاد بر لزوم تربیت دینی و همچنین اهمیت آن در متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اما نسبت به تبیین دقیق مؤلفه‌های تربیت دینی بر اساس اهداف ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین، پژوهشی صورت نگرفته است و موجب کج‌فهمی نسبت به مفهوم و مؤلفه‌های تربیت دینی شده است. بر همین مبنا، این ضرورت احساس می‌شود که نسبت به تبیین دقیق مؤلفه‌های تربیت دینی اقدام شود تا بتوان به اصولی برای تبلیغ در مراکز مذهبی دست یافت.

چیستی تربیت دینی و ضرورت تبلیغ دین

تربیت» در لغت به معنای پرورش دادن و پروراندن است؛ به عبارت دیگر، پروراندن هر چیزی، به کمال رساندن آن است تا تمامی قابلیت‌های آن شکوفا شود. در اصطلاح، تربیت انسان به معنای فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش استعدادها و برای رسیدن به کمال مطلوب است؛ البته تعریف «تربیت» در اصطلاح هر مکتبی، بسته به نگاه آن به انسان متفاوت است (حسینی دهشیری، ۱۳۷۰، ۹۶). آنچه در کتاب‌های موجود در مورد دین و تربیت به چشم می‌خورد، فقدان ارائه معنایی معین از دین و تربیت از سوی علما و دانشمندان است؛ از این‌رو به‌طور طبیعی نظریات متعددی درباره مفهوم تربیت دینی ابراز شده است. دائرةالمعارف بین‌المللی تربیت، تربیت دینی را چنین تعریف می‌کند: تدریس منظم و برنامه‌ریزی‌شده که هدف از آن، دستیابی فرد به اعتقاداتی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی، ارتباط انسان با پروردگار و دیگر انسان‌هایی که در جامعه با آنها زندگی می‌کند و بلکه با همهٔ آحاد بشر است (مشایخی‌راد، ۱۳۸۰، ۷۰). همانند تربیت و دین، برای تربیت دینی نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است. برخی تربیت دینی را آموزش برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند باورهای مربوط به خدا، جهان و آموزش برنامه‌ریزی‌شده و نظام‌مند عبادات و مناسک، اخلاقیات، هدف و معنای زندگی دانسته‌اند (توماس، ۱۳۷۹). مفهوم تربیت دینی و کارکرد آن متأثر از مجموعه عواملی است که مهم‌ترین آن، جایگاه خدا در دین و در رتبهٔ ایمان به روز قیامت و جزای الهی است. در تربیت اسلامی اهتمام کافی به گسترهٔ معرفتی می‌شود؛ اما از نظر آن، هدف معرفت و آگاهی کافی نیست. حقیقت در صورتی نتیجه می‌دهد که با قلب ارتباط پیدا کند و با فرد در ساخت دیدگاه‌های مثبت شریک باشد. هرچند برخی‌ها با یک رویکرد و معنی کلی، تربیت دینی را به فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش اخلاق، احکام و اعتقادات جاری دینی که لازمه آن، آموزش این مسائل است، تعریف می‌کنند.

هدف تربیت دینی آن است که افراد جامعه را در فهم دین یاری رساند تا آنها بتوانند آگاهانه درباره آن بیندیشند. این کار زمانی ممکن است که اذهان و عواطف آدمی، درهای خود را به روی دین نبندند و تصور نشود که دین چیزی منسوخ و مطالعه آن فاقد ارزش است؛ بنابراین تنها راه سعادت‌مند شدن انسان، بهره‌مندی او از تعلیم و تربیت دینی است (رحیمی، ۱۳۸۰، ۴۱). به‌طورکلی، تعریف تربیت دینی به‌منظور آشنا ساختن افراد با جریان کسب معرفت ایمانی و عقاید دینی است و همچنین پذیرش سنت‌ها و اعمال دینی، توجه به ملاحظات اخلاقی و رفتاری مورد تأیید دین است؛ به‌عبارت دیگر، تربیت دینی، ایجاد یا پرورش ایمان در افراد را دربرمی‌گیرد. گریمیت در این زمینه می‌نویسد: تعلیم و تربیت مذهبی به فعالیت‌هایی اشاره دارد که موجب پرورش ایمان در افراد می‌شود، به‌ویژه فعالیت‌هایی که به آشنا کردن کودکان و نوجوانان به هسته اصلی معرفت، ایمان و عقاید ایمانی و ... منجر می‌شود (خاکپور، ۱۳۸۱، ۱۴۹).

عده‌ای معتقدند: تربیت دینی عبارت است از: مجموعه اعمال غیرعمدی و هدف‌دار، به‌نحوی که در آن، افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها پایبند شوند (حسین‌زاده، ۱۳۸۰، ۲۶). تربیت دینی فرایندی است هماهنگ با فطرت که به‌دور از جبر و فشار،

به‌منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ۱۹۷). داوودی (۱۳۸۴) معتقد است هرچند تربیت دینی، فعالیتی هدفمند است، اما نه صرفاً به‌منظور ایجاد شناخت معارف دینی؛ بلکه به‌منظور آموزش هر گزاره معتبر یک دین به افراد است. از نظر وی تربیت دینی، یک فرایند هماهنگ و همساز با فطرت انسانی است. به‌طور کلی دوگونه تربیت دینی قابل‌تصور است: نخست، تربیتی که چهارچوب بنیادی و اصول آن بر اساس دین و آموزه‌های دینی استوار است. درواقع این شکل از تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار قرار می‌گیرد و همه ابعاد تربیت را بر اساس نظام معیار دینی (مبتنی بر مبانی و ارزش‌های دین یا سازگار با آنها) شامل می‌شود که در مجموعه حاضر از این مفهوم عام با تعبیر تربیت اسلامی یاد شده است. دوم، جنبه خاصی از تربیت که برای تقویت دین‌داری و دین‌ورزی متریبان صورت می‌پذیرد. در این شکل از تربیت، اعتقادات و مناسک مربوط به دینی معین، موردتوجه قرار می‌گیرد و متریبان برای رسیدن به ایمان و باور دینی و عمل به آن تربیت می‌شوند (البته مطابق قانون اساسی کشور ما، اقلیت‌های دینی و مذهبی رسمی در تربیت دینی فرزندان خود، منطبق با عقاید و مناسک خویش، آزادند) این شکل از تربیت تقریباً در همه جوامع به رسمیت شناخته شده و در ادبیات رایج تربیتی با عبارت religious education از آن تعبیر می‌شود (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

دینداری و تربیت دینی دارای آثار و فواید عظیمی در حیات فردی و اجتماعی است. دنیای امروز به‌رغم پیشرفت‌های حیرت‌انگیزی که در زمینه ارتباطات، تکنولوژی، توسعه علمی و اقتصادی و ... در آن صورت گرفته، نه‌تنها امنیت و آرامش روحی و روانی را به‌دست نیاورده، بلکه بر فشارهای روحی و روانی، ترس، احساس ناامنی و اضطراب بشریت نیز افزوده است. در آموزه‌های دینی، تبلیغ دین به‌عنوان یک امر ضروری یاد شده و بهترین بندگان خدا، مبلغان دین هستند. خداوند در سوره توبه آیه (۱۲۲) می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ (و شایسته نیست مؤمنان، همگی (برای جهاد) کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین، آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به‌سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که آنان (از کفر الهی) بترسند؟). پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: آگاه باشید! من این سخن را تکرار می‌کنم: هان! نماز را به‌پای دارید و زکات را بپردازید و امر به معروف و نهی از منکر کنید. بدانید که اساس امر به معروف و نهی از منکر، آن است که به سخن من برسید و آن (سخن) را به کسانی که (اینجا) حضور ندارند، برسانید و آنان را به پذیرش آن، فرمان دهید و از مخالفت با آن بازشان دارید که آن، فرمانی از جانب خداوند عزوجل و من است. یکی از مهم‌ترین عوامل و شرایط موفقیت در تبلیغ، انگیزه مبلغ است؛ زیرا انگیزه، قبل از هر چیز دیگر، ضامن موفقیت مبلغ و برنامه‌های تبلیغی اوست. هرچه انگیزه قوی‌تر باشد، امید موفقیت بیشتر است. تأمل در متون دینی که درباره جایگاه تبلیغ و مبلغ در اسلام سخن می‌گویند، می‌تواند زمینه‌ساز تقویت انگیزه مبلغان و برنامه‌سازان تبلیغی باشد.

پیشینه پژوهش

کشاوری (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی» به بررسی آسیب‌های تربیت دینی در مدارس، با نظر به شاخص‌های برگرفته از آموزه‌های دینی (اعم از قرآن و سنت) پرداخته است. او در این پژوهش آسیب‌های تربیت دینی را از چهار منظر برنامه‌ریزی درسی، محتوا، روش‌های یاددهی و یادگیری و ارزشیابی بررسی می‌کند. آسیب‌های در برنامه‌ریزی، فقدان برنامه‌ریزان و کارشناسان با صلاحیت در طراحی و تولید برنامه‌های درسی دینی است. آسیب در محتوا، انباشت مفاهیم در برنامه و بیان آن با ادبیاتی ثقیل و غیرقابل درک، نه‌تنها موجب تربیت دینی یادگیرندگان نمی‌شود، بلکه ممکن است موجب

ناخرسندی و دل‌زدگی یادگیرنده شود. آسیب در روش‌های یاددهی-یادگیری، تحلیل محتوای کتاب‌ها نشان می‌دهد که محتوای این کتاب‌ها به‌گونه‌ای است که معلم در اکثر موارد از روش‌های آموزشی سنتی استفاده می‌کند؛ از این‌رو برنامه‌های آموزش دینی به‌صورت یک نظام آموزشی حفظی و لفظی درآمده است. آسیب در زمینه ارزشیابی امر تربیت دینی در مدارس که فعلاً به‌طور مشخص شامل ارائه دروس دینی و قرآن و انجام فعالیت‌های تربیتی است؛ از همان نظام ارزشیابی سایر دروس نظیر ریاضی، علوم و...؛ تبعیت می‌کند یعنی مبتنی بر شیوه سنتی امتحان و ارزشیابی دانش‌آموز از طریق نمره است.

موسوی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل مفهوم تلقین در تربیت دینی» به بررسی تحلیل‌های برخاسته از مبانی و مبادی فلسفی و کلامی صاحب‌نظران این رویکرد در باب تعریف تربیت، تربیت دینی، تلقین و دیگر مفاهیم پرداخته منجر به انکار تربیت دینی از سوی برخی شده است. یکی از دستاویزهای منکران، به‌زعم آنها، زشتی مطلق تلقین و تلقین‌آمیز آموزه‌های دینی است که فرایند آموزش دین را به «شبه تربیت» و «ضد تربیت» بدل می‌کند.

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که اصلی‌ترین معیار بازشناسی تلقین، روش تدریس غیراستدلالی است؛ بدین معنا که اگر در هر آموزشی از روش‌های غیراستدلالی استفاده شود، تلقین رخ داده است (معنای عام) و اگر محصول فرایند یاددهی نیز ذهن‌بسته باشد، معنای خاص تلقین، خواهد شد. تلقین، نوعی روش تدریس است. همان‌گونه که همه روش‌های تربیتی می‌توانند آسیب‌زا باشند، تلقین نیز در شرایطی می‌تواند آسیب‌زا باشد؛ اما با توجه به مراحل تربیت و شرایط رشد شناختی متربی‌ان و نیز با توجه به محتواهای آموزشی، می‌توان در مقاطع سنی و محتواهای خاص نیز از آموزش تلقینی در تربیت بهره گرفت.

تلخابی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «رویکرد شناختی به تربیت دینی» به بررسی تربیت دینی با توجه به رویکرد شناختی پرداخته است؛ از این‌رو در این پژوهش، تأثیر یافته‌های علوم شناختی بر رویکرد تربیت دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجا که نظریه بازنمودی-رایانشی رویکرد غالب در علوم شناختی تلقی می‌شود، این نظریه مبنای فهم عملکرد ذهن قرار می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، پردازش شناختی دارای دو مؤلفه اساسی است: نخست اینکه ذهن در بازنمایی از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کند و دوم اینکه تمام پردازش‌های شناختی دارای مؤلفه هیجانی است.

دهقان (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «راهکارهای مأنوس نمودن کودکان با مسجد بر مبنای اصول بنیادین تربیتی» به بررسی راهکارهای مأنوس کردن کودکان با مسجد می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تحقق این امر نیازمند سازوکارهای مناسبی، مانند ابزار محبت به کودکان، احترام گذاشتن و سلام کردن به آنها، ارائه الگوی تربیتی مناسب به کودک، جذاب نمودن محیط فیزیکی و معنوی مسجد و...، می‌توان از آنها تحت عنوان راهکارهای مأنوس نمودن کودکان با مسجد یاد نمود.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، تحلیل محتوا از نوع قیاس عملی است که طی آن، مجموعه اهداف ساخت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. به این‌صورت که از فرم واریس باز و بدون پیش‌سازمان‌یافتگی جهت تحلیل ساخت‌ها بر مبنای تربیت دینی استفاده شده که در آن چند جدول طراحی شده است و در هر جدول دو ستون تعبیه شده که یکی ستون اهداف و دیگری ستون مؤلفه‌ها است. واحد تحلیل محتوا، مجموعه اهداف ساخت‌های شش‌گانه تربیتی است. روایی ابزار را صاحب‌نظران انجام داده‌اند و پایایی آن با محاسبه ضریب همبستگی داده‌های حاصل از تحلیل اولیه با تحلیلی که متخصصین دیگر انجام داده‌اند، به‌دست آمده که نتیجه آن قابل قبول است. شیوه اجرای پژوهش بدین‌صورت بوده

که با استفاده از فرم واریسی به تحلیل محتوای اهداف پرداخته شده است. بر این اساس، پس از کشف مؤلفه‌های تربیت دینی مرتبط با ساحت‌های تربیتی، موارد فوق به تفکیک و با توجه به مکان‌های تعبیه شده در ابزار پژوهش درج گردید. روش تحلیل داده‌ها نیز به این صورت بوده که داده‌ها به تفکیک در زمینه‌های مذکور طبقه‌بندی شده‌اند و در جداول مرتبط منعکس شده و هر یک از جداول نیز به صورت کیفی شرح داده شده است. بعد از مشخص شدن مؤلفه‌ها، به استنتاج اصول راهنما برای مبلغان مذهبی بر اساس اهداف و مؤلفه‌ها پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

اهداف و مؤلفه‌های تربیت دینی بر اساس ساحت‌های شش‌گانه

آنچه در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد، بررسی اهداف مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و کشف مؤلفه‌های تربیت دینی بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی است که هرکدام در یک جدول مجزا آورده می‌شوند. هدف تربیتی به فعالیت معلم و شاگرد نظر دارد و به موفقیت که معیار درستی کار است، کمک می‌کند. ارزش هدف تربیتی در این است که «کار را معنادار کند و به آن جهت دهد و وسایل و روش‌های آن را معین کند؛ زیرا کسی که هدفی ندارد، لذت کار و طعم تلاش را نمی‌چشد. چنین کسی رو به تباهی می‌رود و هدف را گم می‌کند و نمی‌تواند تصمیم بگیرد که کدام راه و کدام وسیله بر بقیه برتری دارد.»

درواقع، تعیین و توضیح هدف، محرک رفتار و کمک برای رسیدن به آن است... و در تربیت، یعنی همان عملیات سنگین مؤثر در زندگی افراد، نسل‌ها و ملت‌ها، به ناچار باید تعیین هدف‌ها صورت گیرد.

الف) اهداف و مؤلفه‌های تربیت دینی ساحت تربیتی اعتقادی - عبادی و اخلاقی

به‌طور کلی دو گونه تربیت دینی قابل تصور است: نخست، تربیتی که چهارچوب بنیادی و اصول آن بر اساس دین و آموزه‌های دینی باشد. این شکل از تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار قرار دارد و همه ابعاد یک نظام را بر اساس مبانی معیارهای دینی شامل می‌شود. در مجموعه حاضر از این مفهوم با تعبیر تربیت اسلامی یاد شده است و همه ساحت‌های تربیت را دربرمی‌گیرد. دوم، بخش خاصی از تربیت که برای تقویت روند دین‌داری و دین‌ورزی متربیان صورت می‌پذیرد. در این شکل از تربیت، اعتقادات و مناسک دین خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد و متربی برای رسیدن به ایمان و باور و عمل به آنها تربیت می‌شود (البته مطابق قانون اساسی کشور ما، اقلیت‌های دینی و مذهبی رسمی در تعلیم دین و مذهب خود به فرزندان‌شان آزادند). به همین دلیل و برای تمایز این دو شکل از تربیت دینی، نوع اخیر را تربیت ساحت اعتقادی - عبادی نام نهاده‌ایم و به سبب نزدیکی و خویشاوندی اخلاق و دین، در مجموع ساحت تربیت اعتقادی - عبادی و اخلاقی نام‌گذاری شده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۲۹۹).

ب) اهداف و مؤلفه‌های تربیت دینی ساحت تربیت سیاسی - اجتماعی

ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متربیان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. امروزه مشارکت در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی از ملاک‌های توسعه، پیشرفت و کارآمدی یک نظام به حساب می‌آید (همان).

ج) اهداف و مؤلفه‌های تربیت دینی ساحت تربیتی زیستی و بدنی

ساحت تربیت زیستی و بدنی، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متربیان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط‌زیست و احترام به طبیعت است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۳۰۵).

د) اهداف و مؤلفه‌های تربیت دینی ساحت تربیتی هنری و زیبایی‌شناختی

ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوهٔ خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متربیان (توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش‌های هنری) است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۳۰۷).

ه) اهداف و مؤلفه‌های تربیت دینی ساحت تربیتی اقتصادی - حرفه‌ای

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی، یعنی بُعد اقتصادی و معیشتی انسان‌هاست. این ساحت، ناظر به رشد توانایی‌های متربیان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۳۰۹).

ر) اهداف و مؤلفه‌های تربیت دینی ساحت تربیتی علمی - فن‌آورانه

ساحت تربیت علمی و فن‌آوری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به کسب شایستگی‌هایی (صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌ها) است که متربیان را در شناخت، بهره‌گیری و توسعهٔ نتایج تجارب متراکم بشری در عرصهٔ علم و فن‌آوری یاری می‌کند تا بر اساس آن متربیان قادر شوند، با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی (نگاه آیه‌ای به هستی) و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت (نگاه ابزاری)، بینشی ارزش‌مدار کسب کنند. ترکیب نگاه آیه‌ای و ابزاری، منجر به تصرف و بهره‌گیری مسئولانه از طبیعت خواهد شد که می‌تواند به یک راهبرد اساسی در نگاه انسان به طبیعت و حفظ و مراقبت از آن بینجامد؛ از این‌رو ساحت از تربیت، ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش‌های پایه و عمومی برای بهبود کیفیت زندگی است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۳۱۱).

ب) اصول راهنما برای تبلیغ در مراکز مذهبی

اصل آگاهی‌بخشی

در دوران نوجوانی، سؤالات زیادی در رابطه با مسائل اعتقادی و ماورائی در ذهن فرزندان به وجود می‌آید به تعبیر استاد مطهری، نوجوان همواره به دنبال این است که بداند از کجا آمده و به کجا خواهد رفت؟ او در خود، احساس نیاز به پرستش و ارتباط با یک نیروی مطلق می‌کند، چراکه حس پرستش فطرتاً در وجود او قرار دارد (مطهری، ۱۳۷۳، ۱۰۰)؛ از طرفی، به جهت اینکه فرزندان امروزی غالب اوقات خود را در اینترنت و فضای مجازی می‌گذرانند، تلاش می‌کنند تا پاسخ این سؤالات را در فضای مجازی بیابند و اینجاست که با پاسخ‌های انحرافی مواجه شده و گمراه خواهند شد؛ برای رهایی از این مشکل، بهترین راه، آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی به فرزندان است؛ این بصیرت‌دهی از راه‌های مختلفی می‌تواند انجام پذیرد؛ به‌عنوان نمونه یکی از راه‌های بصیرت‌دهی به فرزندان، آموزش قرآن به آنها در مساجد و مراکز مذهبی است؛ فرزندانی که از کودکی با قرآن

مأنوس شوند، به‌مرور زمان بسیاری از پاسخ‌های خود را از این کتاب جامع خواهند یافت؛ از این‌رو در روایات، پدران و مادران به تعلیم قرآن به فرزندان‌شان توصیه شده‌اند. بر اساس این اصل مبلغان دینی می‌توانند ابتدا نسبت به مسائل آگاهی و بصیرت‌افزایی کنند و هرگاه اذهان آماده پذیرش مسائل دینی شد به معرفی آن بپردازند.

اصل ارتباط سازنده با جوانان

گوهر گران‌بهای جوانی، به سبب برخورداری از استعدادها و قابلیت شکوفایی و رشد، بزرگان - اعم از والدین و اجتماع - را به ارتباط با جوانان وامی‌دارد. یکی از پرسش‌های بنیادی در رابطه با نسل جوان آن است که با چه شیوه‌ای و چگونه با این نسل روبه‌رو شویم؟ شاید در ابتدای امر این سؤال آسان به نظر بیاید، ولی آنگاه که با پیچیدگی‌های دوران حساس و سرنوشت‌ساز جوانی و ظرافت‌های شخصیتی او مواجه شویم، اهمیت سؤال و نیز سختی پاسخ به آن، خود را بهتر آشکار می‌سازد. بدون تردید آسیب‌پذیرترین و درعین‌حال پرنرژترین و بالارزش‌ترین قشر از اقشار جامعه، جوانان هستند. جوانان به‌مثابه آینده‌سازان و گردانندگان آینده جامعه، اصلی‌ترین سرمایه هر کشور محسوب می‌شوند. فرایند تغییر در نگرش و رفتار جوانان در مقایسه با بزرگسالان راحت‌تر انجام می‌پذیرد؛ چراکه بُعد احساسی نگرش و بینش جوانان نسبت به افراد و پدیده‌های مختلف، بسیار مهم و درعین‌حال انعطاف‌پذیر است؛ درحالی‌که بزرگسالان پایمند و مقاومت فکری بیشتری نسبت به باورها، ارزش‌ها و اعتقادات از خود نشان می‌دهند؛ بنابراین بسیار طبیعی و منطقی به‌نظر می‌رسد که مخاطبان اصلی دشمنان فرهنگی، نسل جوان جامعه باشد. برای مصونیت‌بخشی جوانان از آسیب‌های فردی و اجتماعی و هدایت و راهنمایی آنان لازم است که با جوانان ارتباط مؤثر و مفید برقرار کنیم؛ یعنی در دل جوانان جایی برای خود باز و محبت آنان را جذب کنیم. بدون ارتباطات مؤثر اجتماعی، جوانان نمی‌توانند به رشد و شکوفایی مطلوب شخصیت برسند. اگر فرماندهان، مدیران، مربیان و مبلغان با راهبردهای یاری‌بخش رفتار ارتباطی با جوان آشنایی کافی داشته باشند، قطعاً می‌توانند با ارائه رفتار ارتباطی کارآمد، سازنده و مؤثر، مسائل جوانان را به نحو شایسته‌ای حل نمایند؛ بنابراین بدون شک مهم‌ترین مسئله‌ای که ادیان به ویژه دین اسلام در این عصر با آن مواجه می‌باشد، همین مسئله است. نسل جدید جز درباره تحول و دگرگونی، نوظللی و درک مقتضیات زمان نمی‌اندیشد. در مواجهه با این نسل، اولین سخنی که به گوش می‌رسد، همین است. بر اساس این اصل، ارتباط سازنده از نکات مهم در امر تبلیغ دین است. مبلغان دینی برای اینکه بتوانند به ارتباط سازنده دست یابند باید از لحاظ آشنایی با فن‌آوری‌های روز در سطحی خوب و به‌روز باشند تا جوانان احساس همدلی کنند.

اصل تناسب و اعتدال با نیاز مخاطبان

برای طرح هر مسئله و یادگیری هر مطلبی، ساعت مناسبی وجود دارد. سن خاص و معینی هم برای تحصیل علوم و درک آداب و رسوم اجتماعی وجود دارد. همچنین زمان خاص و مناسبی برای رسیدن به مفهوم خدا در داستان‌ها - بدون اینکه به بت‌پرستی منتهی شود - وجود دارد. دوره‌ای برای پیروی از منطق و استدلال و دوره دیگری برای پیروی از علاقه و رغبت یافت می‌شود؛ اما قبل از اینکه زمان چیزی فرا رسیده باشد، باید مقدمات آن را آماده کرد. پیش از آنکه با کودک، بر اساس منطق سخن بگوییم، باید او را برای درک استدلال و سخن منطقی، به وسیله قصه‌گویی، حکایت، معاشرت و برای درک خدای تعالی، آماده کنیم (شکوهی، ۱۳۷۵).

پیام باید متناسب با قدرت فراگیری، طرز تفکر، شایستگی، فرهنگ و پرسش‌های اصلی مخاطبان تنظیم شود. نیازسنجی در پیام به قدری مهم است که تمام پیامبران الهی در راه تبلیغ دین مأموریت یافته‌اند که به این امر مهم توجه نشان دهند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ»؛ (ما پیامبران مأموریم که در سطح درک مردم سخن بگوییم. استاد مطهری می‌فرماید: «برای اینکه محتوای یک پیام غنی باشد، باید با احساسات بشر انطباق داشته باشد. توافق با احساسات و تا حدی اشباع احساسات عالی بشر و هماهنگی با نیازهای زندگی و نیازهای عملی و عینی بشر از دیگر شرایط غنی بودن محتوای یک پیام است. اگر پیام با نیازهای طبیعی بشر ضدیت داشته باشد نمی‌تواند موفق باشد؛ از این‌رو برنامه و محتوای مبلغان دینی در مساجد باید متناسب با شرایطی چون سن، جنس، سطح خانوادگی، تحصیلات، ویژگی‌های روحی و روانی مخاطبان و توجه به زمان و مکان ارائه پیام، مدنظر قرار گیرد. بر مبنای این اصل می‌توان گفت مبلغان برای تبلیغ دین نباید تکلیف طاقت‌فرسا به مکلف بدهند. درواقع باید عوامل گوناگونی مانند شرایط سنی، شرایط خانوادگی، روحیات و... را مدنظر قرار داد.

اصل محبت در تبلیغ

انسان، تشنه محبت است و محبت، حیات‌بخش دل‌هاست. هرکسی که خود را دوست دارد، می‌خواهد محبوب دیگران نیز باشد و احساس محبوبیت، دل را شادمان می‌گرداند. محبت مفهومی است که به‌طور دوجانبه بر رفتار مربی و متربی اثر می‌گذارد. تا فردی کسی را دوست نداشته باشد، چگونه می‌تواند او را تربیت کند. اصولاً نقش محبت در تربیت، نقش کلیدی است و از مهم‌ترین امور در برقراری ارتباط مؤثر بین مربی و متربی به‌شمار می‌رود و بهترین نوع رابطه، رابطه‌ای است که بر اساس محبت باشد؛ زیرا چنین رابطه‌ای، طبیعی است و رابطه بر اساس زور و خشونت و هر رابطه دیگر، غیرطبیعی خواهد بود. از مهم‌ترین نیازهای روانی کودکان، برخورداری از محبت است. از آنجاکه والدین، نخستین سرپرست فرزند هستند، لازم است به این نیاز فرزند توجه خاص داشته باشند و بدانند پاسخ‌گویی صحیح به این نیاز، اساس تربیت او را تشکیل می‌دهد؛ زیرا ارضای این نیاز، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتمادبه‌نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی او می‌شود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اکثرو من قُبِلَ اولادکم فان لکم بكل قُبْلَۃ درجۃ فی الجنة»؛ (فرزندان خود را بسیار ببوسید؛ زیرا با هر بوسه‌ای، برای شما درجه‌ای در بهشت فراهم می‌شود). بنابراین، اساس کار والدین که با فرزندان سروکار دارند، باید لطف و رحمت و ابراز محبت نسبت به آنان باشد. در غیر این صورت والدین نمی‌توانند ارتباط مناسبی که بستر رشد و تکامل فرزندان را فراهم می‌آورد با آنها برقرار کنند؛ در نتیجه آنها درست تربیت نمی‌شوند. حتی بالاتر اینکه برخورد خشک، خشن و تند موجب فروپاشی روحی و روانی و انحرافات اجتماعی فرزندان خواهد شد. بر مبنای این اصل، مبلغان دینی باید با رویی گشاده با مخاطب صحبت کنند؛ چراکه خداوند همواره به خوش‌رویی توصیه فرموده‌اند. خداوند به حضرت موسی (ع) می‌فرمایند که ابتدا با فرعون با خوش‌رویی صحبت کن.

اصل تدریج

عالم ماده که انسان در آن زندگی می‌کند، عالمی زمانمند و تدریجی است و بر اساس مبانی انسان‌شناختی، تغییر و تحولات ابعاد مختلف روح و بدن انسان نیز به‌تدریج صورت می‌گیرند. به‌این‌ترتیب، طبیعی است که آگاهی‌بخشی، انتقال مهارت و شکوفاسازی استعدادها، یکباره و ناگهان حاصل نمی‌شوند و تعلیم و تربیت، فرایندی تدریجی است که در بستر زمان و طی مراحل خاص و با پشت سر گذاردن پیش‌نیازها و مقدمات خود، تحقق می‌یابد. بر مبنای این اصل، مبلغان دینی در مساجد

باید برنامه‌ها را طوری ترتیب دهند که مباحث قبلی، زمینه‌ساز مسائل تبلیغی بعدی قرار گیرد. سلسله سخنرانی‌های مبلغانی همچون شهید مطهری نمونه‌ای از اجرای بحث‌های تبلیغی منسجم در مساجد است که به کیفیت‌بخشی مباحث تبلیغی دین اسلام قوت بخشیده است. اصل تدریج که بر مبانی فوق مبتنی است، لزوم رعایت تدریج را در طی فرایند تعلیم و تربیت گوشزد می‌کند. خداوند متعال نیز در تعیین تکلیف بندگان، بر اساس این اصل، دستورات خود را به تدریج فرو فرستاده و به تدریج دین را تکمیل کرده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «لَيْسَ أَحَدٌ أَرْفَقَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَمِنْ رَفَقِهِ أَنَّهُ نَقَلَهُمْ مَنْ خَصَلَهُ إِلَى خَصَلِهِ وَ لَوْ حَمَلَ عَلَيْهِمْ جُمْلَهُ لَهْلَكُوا»؛ (هیچ کس از خداوند بیشتر اهل مدارا نیست از موارد مدارای او این است که بندگان را از حالتی به حالتی دیگر منتقل می‌کند و اگر همه امور را یکباره بر ایشان تکلیف می‌کرد هلاک می‌شدند) (محمّد بن الحسن الطوسی، تهذیب الأحکام، ۹، ۱۰۲، ح ۴۴۳). عن الصادق (ع): «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ، فَمِنْ رَفَقِهِ بِعِبَادِهِ تَسْلِيلُهُ أَضْغَانَهُمْ وَ مُضَادَّتُهُمْ (مُضَادَّتُهُ) لَهُوَاهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ، وَ مِنْ رَفَقِهِ بِهِمْ أَنَّهُ يَدْعُهُمْ عَلَى الْأَمْرِ يَرِيدُ إِزَالَتَهُمْ عَنْهُ رَفْقاً بِهِمْ لِكَيْلَا يَلْقَى عَلَيْهِمْ عُرَى الْإِيمَانِ وَ مَثَاقِلَتَهُ جُمْلَهُ وَاحِدَةً فَيَضَعُوهَا فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ نَسَخَ الْأَمْرَ بِالْآخِرِ فَصَارَ مَنْسُوخاً» (بحار الأنوار، ۷۲، ۵۶، ح ۲۲) (خداوند تبارک و تعالی، اهل مداراست و مدارا را دوست دارد. از جمله موارد مدارای خداوند نسبت به بندگان آن است که به تدریج کینه‌ها و دشمنی‌هایشان را می‌زداید و با خواسته‌ها و دل‌هایشان به تدریج مقابله می‌کند و از موارد مدارای خداوند با آنان این است که ابتدا برای مدارا، آنان را با چیزی که می‌خواهد ایشان را از آن جدا کند وامی‌گذارد تا بار ایمان و سنگینی آن را یکباره بر ایشان فرو نیفکند که از آن احساس ناتوانی کنند. پس هرگاه اراده آن کند (که آن را بزداید)، آن را با فرمان دیگری نسخ می‌کند) تا فرمان نخست منسوخ شود. بر مبنای این اصل مبلغان دینی باید مطالب را به صورت تدریجی و مرحله‌به‌مرحله به مخاطبان عرضه کنند.

جمع‌بندی

بر اساس تحلیل ساحت‌های شش‌گانه تربیتی، اکنون می‌توان گفت که تربیت دینی دارای گستردگی و دایره شمول وسیعی است؛ بدین صورت که تمام جنبه‌های تربیت انسان (عبادی، اجتماعی، سیاسی، زیستی-بدنی، زیبایی‌شناسی و علمی-فن‌آورانه) را دربر می‌گیرد. مؤلفه‌هایی که مشخص شد همگی به جنبه‌هایی از تربیت دینی متناظر بودند؛ مثلاً مؤلفه‌های هویت دینی، انتخاب آگاهانه، تلاش برای ارتقای معنوی، خودشناسی، حفظ کرامت و عزت نفس، التزام عملی به ارزش‌های دینی و ... همگی به جنبه زندگی انسان مربوط هستند. درواقع تحقق تربیت دینی می‌تواند به عنوان الگویی برای نظام اسلامی در نظر گرفته شود. بر مبنای اهدافی که در سند تحول بنیادین در نظر گرفته شده، می‌توان گفت که متن سند به همه جوانب تربیت دینی پرداخته است و در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌توان انتظار اجرایی شدن همه‌جانبه تربیت دینی را داشت. البته تحقق تربیت دینی مطلوب منوط به شناخت عوامل و موانع تحقق آن نیز است. با توجه به اهمیتی که تعلیم و تربیت دینی دارد و از ضروریات آن نیز صحبت به میان آمد، صاحب‌نظران و خبرگان این حیطه باید به ارائه راهکارهایی بپردازند تا با اجرای آنها بتوانیم به اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت تربیت دینی دست یابیم. بر همین اساس می‌توان گفت آیا تربیت دینی این است که ما در کلاس برای شاگردانمان، ادیان را آموزش بدهیم و دین را تعریف کنیم که اسلام چنین و چنان است؟ یا اینکه بگوییم یهودیت آن طوری است و...؟ یا اینکه باید دین را به آنها بقبولانیم و به یک معنا، التزام عملی به دین و دستورات و احکام آن را در ذهن و فکر آنها به صورتی جا بیندازیم که آنها دین‌دار شوند؟ اگر معنای دوم مقصود است، آیا آموزش دین در کلاس‌ها

به‌وسیله دبیران بینش دینی و یا مبلغان دینی که به‌وسیله منابع، دین را آموزش می‌دهند، سبب ایجاد التزام عملی به دین و دین‌دار کردن مردم می‌شود.

بر همین اساس می‌توان گفت برای بیان ویژگی‌های مبلغ، رفتار انبیا، بهترین الگوست. راهی که مبلغان دین انتخاب کرده‌اند، درحقیقت تداوم راه انبیاست و بررسی ویژگی‌های انبیا به‌ویژه پیغمبر اسلام صلی‌الله علیه و آله در این جهت می‌تواند بسیار کارگشا باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. اکبرزاده، مرتضی؛ تعریف و اهداف تربیت اسلامی؛ تهران: انتشارات موسسه کتاب، ۱۳۹۵.
۲. تعلیم و تربیت دینی (مجموعه مقالات)؛ ترجمه شهاب‌الدین مشایخی‌راد؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
۳. تلخابی، محمود؛ «رویکرد شناختی به تربیت دینی»؛ دو فصلنامه فلسفه تربیت؛ سال دوم، صص ۷۱-۹۰، ۱۳۹۵.
۴. توماس، آر. ام؛ تربیت دینی؛ ترجمه سید محمدصادق موسوی نسب قمی؛ معرفت، ش ۳۳، صص ۲۲-۳۱، ۱۳۷۹.
۵. حسین زاده، علی؛ سیره تربیتی پیامبر و ائمه اطهار (ع)؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
۶. حسینی، سید علی‌اکبر؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
۷. حسینی دهشیری، افضل‌السادات؛ نگرشی به تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
۸. خاکپور، مسعود؛ «مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی در نوجوانان و جوانان»؛ مجموعه مقالات آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش؛ تهران: موسسه فرهنگی محراب قلم، ۱۳۸۱.
۹. داوودی، محمد؛ سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)؛ جلد دوم تربیت دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۱۰. رحیمی، علی‌رضا؛ «تعلیم و تربیت دینی، معرفی رویکرد بصیرت‌گرا»؛ نشریه رشد آموزش ابتدایی؛ شماره ۴، ۱۳۸۳.
۱۱. سند فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران (چارچوب نظری سامان‌دهی و هدایت انواع تربیت)، گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۸.
۱۲. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت؛ چاپ سی و دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶.
۱۳. شعاری نژاد، علی‌اکبر؛ فرهنگ علوم رفتاری؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۱۴. -----؛ فلسفه آموزش و پرورش؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
۱۵. شکوهی، غلام‌حسین؛ مبانی و اصول آموزش و پرورش؛ انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۶۱، ۱۳۷۵.
۱۶. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۱۷. کشاورز، سوسن؛ «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»؛ دو فصلنامه تربیت دینی، سال سوم، صص ۹۳-۱۲۲، ۱۳۸۷.
۱۸. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰.
۱۹. مزینانی، محمدصادق؛ «روش‌های تربیتی سیاسی کارگزاران از منظر امام علی علیه‌السلام»؛ حکومت اسلامی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۲۷-۳۹، ۱۳۸۲.
۲۰. مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار؛ قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۲۱. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۱.
۲۲. -----؛ مجموعه آثار؛ ج ۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۲۳. موسوی، سید علی؛ «تحلیل مفهوم تلقین در تربیت دینی»؛ فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴۷، صص ۴۴-۶۶، ۱۳۹۱.

۲۴. میلاره، گاستون و ژان، یال؛ تاریخ جهانی آموزش و پرورش؛ ترجمه محمد رضا شجاع رضوی؛ انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، جلد ۱ و ۲، ۱۳۷۰.

۲۵. هاشمی اردکانی، سید حسن؛ «عوامل تربیتی در مسیر کمال وجودی انسان از منظر نهج‌البلاغه»؛ تربیت اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱۷۹-۱۶۱، ۱۳۸۸.